

درنگ

پاسداشت زبان فارسی و غایبان

هر سال در ۲۵ اردیبهشت برنامه‌های رنگارنگی برگزار می‌شود زیر عنوان «روز بزرگداشت ابوالقاسم فردوسی و روز پاسداشت زبان و ادب فارسی». برنامه‌ها البته همه نخیکانی و برای بزرگان است؛ مثلاً نشست برگزار می‌شود در کتابخانه ملی ایران یا حضور فلان وزیر و فلان نماینده فارسی‌دوست و دیگری که رئیس است و آن دیگر که معاون. محل برگزاری هم در سالن‌های ادارات و سازمان‌ها و دور از دسترس عموم مردم و گاه حتی دور از دسترس دیگر کارمندان دولت است. زمانش هم در وسط هفته است و در ساعت اوج کار ادارات؛ مثلاً ساعت ۱۰ تا ۱۲. بنابراین مشخص است که بیشتر شرکت‌کنندگان همان کارمندان ادارات مربوطه (!) هستند که اتوبوسی و گاه برای فرار از محل کار به مراسم می‌آیند و حرف‌های تکراری مدیران خودشان را می‌شنوند و پذیرایی می‌شوند و حضوری می‌زنند و در صورت امکان، در اولین فرصت، جلسه‌ای ترک می‌کنند و به دنبال کار خودشان می‌روند و یک روز کاری دیگر را هم هدر می‌دهند. اغلب این جلسات به صورت مجازی هم بخش نمی‌شود و فیلم آن هم اغلب دیگر در دسترس نیست؛ حتی در وبگاه همان برگزارکنندگان. گزارش و خبرهای کلیشه‌ای از مراسم را هم در رسانه‌ها منتشر می‌کنند و گاه به چند نفری نشانی یا لوح تقدیری می‌دهند و گزارش بر می‌کنند که برای زبان فارسی چه‌ها که نکرده‌ایم. دریا که اینان حتی نمی‌دانند پاسداشت زبان یعنی چه و قرار هم نیست بدانند. چرا؟ مشخص است؛ مدیری که امروز هست و فردا نیست، دغدغه‌ای با برنامه‌ای و هدف مشخص برنامه‌ریزی شده‌ای هم ندارد و متولیان بزرگ‌تر هم برایش تکلیف و هدفی مشخص نکرده‌اند و از او بازخواستی هم نمی‌کنند؛ چون شاید خودشان هم نمی‌دانند و دغدغه‌ای ندارند یا دیگر خسته‌اند و بی‌حس و حال و چندین شاید دیگر. اینها همگی ترجیح می‌دهند تن به این نمایش‌های پرهزینه بدهند و اندکی وجدان عمومی آرازم کنند و خلاص. فراموش نمی‌کنیم که سال گذشته و در مراسمی پرهزینه، نشان فردوسی را اعطا کردند به دکتر حسن ذوالفقاری. دکتر ذوالفقاری فرصتی خواستند تا چند کلمه‌ای با متولیان سخنی بگویند.



مهدی صالحی دبیرانجمن ویرایش و درست‌نویسی و مدرس

تأثیر کتاب و کتابخوانی بر فرهنگ عمومی

است. هویت فرهنگی هر جامعه‌ای برای جامعه‌ای دیگر تفاوت فرهنگی به حساب می‌آید و این جذابیت و کاربرد کتاب برای فهمیدن دیگر فرهنگ‌هاست. برای یافتن ویژگی فرهنگ‌ها و مبنای هویتی‌شان یا است مستقیم یا غیرمستقیم باشد. با مطالعه کتاب‌های علمی در موضوعات تاریخی، فلسفی و دینی درک افراد از دنیای پیرامونی عمیق‌تر می‌شود و معانی بزرگ‌تر و جهان‌های معنایی تازه‌ای را می‌یابند. این مطالعات مستقیماً بر بینش و منش افراد اثر می‌گذارد. خواندن روایت تجربه‌های واقعی یا داستان‌هایی الهام‌بخش بر هویت فرد نقش می‌زند و بر مهارت‌های ارتباطی، کاهش تنش‌ها و افزایش خلاقیت او اثر می‌گذارد و به‌مرور از او فردی صورت‌روادتر و عمیق‌تر می‌سازد.

شکل‌دهی به ارزش‌های فرهنگی و تقویت آن

کتاب ابزار ارتباطی قدرتمندی است و اثر توانمندی ارتباطی‌اش را بیش از همه بر فرهنگ عمومی می‌بینیم. در عناصر مختلفی از فرهنگ، کتاب با قدرت پیش آمده و می‌آید و نقش خودش را مدام و محکم ایفا می‌کند و تاریخ و هویت را سیریا نگه داشته است. هر فعالیتی که حول کتاب بچرخد، بر قدرت بخشی و اثربخشی این عنصر فرهنگی می‌افزاید. فعالیت‌های ترویجی همچون نمایشگاه کتاب از همین توان بخشی است. نمایشگاه کتاب رویدادی است که هم توان فرهنگی کتاب را یادآوری می‌کند و هم نشان می‌دهد عموم مردم چقدر به کتاب علاقه دارند. از سوی دیگر به آثار فرهنگی چندجانبه کتاب ضریب می‌دهد و در گسترده‌ای عمومی تریه فواید کتابخوانی دامن می‌زند و بیشتر روشن می‌کند فرهنگ جامعه چقدر بر پایه کتاب استوار است و به آن نیاز دارد.

اما این فواید آثار کتاب و کتابخوانی بر فرهنگ عمومی جامعه کدام‌اند؟

افزایش دانش و آگاهی

هر چقدر هم خیال کنیم در عصر داده و ارتباطات غرق شده‌ایم، همچنان کتاب منبع مهمی از دانش و آگاهی است. گوئی در فضای مجازی فقط لقمه‌ای از هر چیزی به خورد ما می‌دهند و این کتاب‌ها هستند که گرسنگی را برطرف می‌کنند و پاسخ پرسش‌های عمیق را می‌دهند. عموم جامعه با خواندن کتاب‌های مختلف، به دنبال یادگیری و فهم بهتر از مسائل مختلف هستند و راه‌حل رفغ نیازشان را در کتاب می‌بینند. تاریخ، علم، هنر، ادبیات و جز اینها کتاب نمی‌توان مستدل و مانا و عمیق یاد گرفت. مدرسه و آموزش تخصصی را بدون کتاب می‌شود تصور کرد؟

تقویت هویت فرهنگی

هویت فرهنگی هر فرد و جامعه‌ای در کتاب‌های آن فرهنگ خودنمایی می‌کند. خواندن کتاب‌هایی که از فرهنگ، تاریخ و رسوم و آداب مردمان گفته هر جامعه‌ای را به هویت خودش بازمی‌گرداند و تلنگری برای حفظ و ادامه هویت

تأثیر بر نگرش و رفتار

نگرش و رفتار افراد از فرهنگ و هوایی می‌آید که در آن زندگی می‌کنند و نفس می‌کشند. کتاب‌ها چه علمی و چه روایی، نگرش‌ها و

تأثیر بر تصمیم‌های فردی و جمعی

روایت تصمیم‌هایی که آدم‌ها و ملت‌ها برای تغییر سرنوشتشان گرفته‌اند، در کتاب‌ها به‌طور آمده است. آشنایی با دیدگاه‌های مختلف در برخورد با مسائل، راه‌حل‌های پهنه‌را در دسترس قرار می‌دهد، مسیر تصمیم‌گیری را هموار می‌کند و نتایج تصمیم‌ها را بر اساس تجربه‌های پیشاپیش به نمایش می‌گذارد. درک بهتر از مسائل خاص و تازه‌تر از مسیر مطالعه و مشورت به دست نمی‌آید.

آگاهی حاصل از مطالعه کتاب‌های علمی نیز توسعه دانش و مهارت‌های فردی را به دنبال خواهد داشت و این مهارت‌ها هستند که انگیزه‌بخش‌اند و اجرای هر تصمیم را ممکن می‌سازند. تمرکزگی که برای مطالعه هدفمند و مستمر نیاز است، به‌مرور به تقویت قدرت تمرکز، تحلیل و خلاقیت می‌انجامد و فهم عمیق و مواجهه بهتر با رویدادهای زندگی را ممکن می‌سازد. تصمیم‌های نوآورانه و خلاقانه از دل همین مهارت‌ها حاصل می‌شود.

جامعه‌ای که کتابخوانی در آن به فرهنگ تبدیل شده، تحت تأثیر هیجان و تنش‌های زودگذر قرار نمی‌گیرد و بهترین تصمیم‌ها را می‌گیرد و خود به مدد کتاب‌ها الگویی برای دیگر جوامع می‌شود.

تأثیر بر پژوهش‌های علمی

چه کتاب از منبعی برای پژوهش بدانیم، چه ابزاری برای انتقال دانش و دستاوردهای علمی، باز بر سهم مهم کتاب در فرایند پژوهش تأکید کرده‌ایم. با انتشار کتاب، تحقیقات و پژوهش‌های جدید در حوزه‌های مختلف به‌سادگی در دسترس عموم قرار



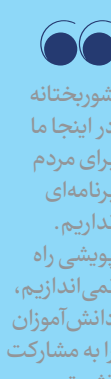
حامد ایشام پژوهشگر حوزه نشر



خواندن روایت تجربه‌های واقعی یا داستان‌هایی الهام‌بخش بر هویت فرد نقش می‌زند و بر مهارت‌های ارتباطی، کاهش تنش‌ها و افزایش خلاقیت او اثر می‌گذارد و به‌مرور از او فردی صورت‌روادتر و عمیق‌تر می‌سازد.



طبق فیلم منتشرشده از مراسم، بزرگواران نه‌تنها به سخنان ایشان اعتنایی نمی‌کردند، که از ابتدای سخن، سر در گوش هم برده بودند و نجوا می‌کردند و حتی به خطاب‌های استاد هم التفاتی نمی‌فرمودند. اندکی پس از دریافت این نشان، آن استاد عزیز روی در نقاب خاک کشید و داغش بر دل فارسی‌دوستان ماند. روحش شاد. اما دریا که نه‌تنها در آن نشست کسی سخن او و امثال او را نشنید، در جلسه‌های مشورتی و سیاستگذارانه هم مسیر همین بود و روش همین. همین اتفاق عمق نمایشی بودن‌ها را برملا می‌کند. سال گذشته با هماهنگی با نیروی هوایی، مزار فردوسی توسی را گلباران کردند و خدا می‌داند چه هزینه‌ها صرف شد. امسال هم چشم باز کردیم و ناگهان بر در و دیوار شهر اعلان‌ها و بیلبوردهای بی‌شمار دیدیم که به‌طرز غیرجذاب و پرایراد بود و به گمان دوستان پاسدار زبان، به تمثال جناب حکیم طوس آراسته شده بود و البته شعاری بس سترگ بر آن خودنمایی می‌کرد: فردوسی پدر زبان فارسی. فارغ از اینکه پدر یا مادر زبان کیست و این برنامه‌ها چه میزان هزینه بیت‌المال را در کسری از زمان به باد می‌دهند، در این بازیگانه با اقلیتی بی‌اعتنا از مدیران مواجهیم و اندکی از مرتبطان اهل تحقیق و اکثریتی از دغدغه‌مندان میدان و مردمان غایب. بی‌شمارند بازیگران میدان زبان که هر روز در جنگ‌های زندگی از حربه زبان بهره می‌گیرند و آن را به بهترین نحو بازتولید می‌کنند و البته بسیاریند دغدغه‌مندان میدان که سال‌هاست سرمایه عمر و جوانی خود را گذاشته‌اند بر سر حفظ و نگهداشت و ارتقای زبان و گسترش عرصه برای آن. همینان با کارنامه‌هایی بس درخشان، گاه برای پیشبرد اهداف کوچک و بزرگ زبانی خود، ملعبه همان مدیران بی‌اعتنا و خسته می‌شوند و ناامید و دلسرده باز به میدان برمی‌گردند.



شوربخانه در اینجا ما برای مردم برنامه‌های نداریم. پوشی راه نمی‌اندازیم، دانش‌آموزان را به مشارکت تشویق نمی‌کنیم و آنها را برای این روزها پرورش نمی‌دهیم. به‌جای ده‌ها مسابقه رنگارنگ پرهزینه غیر یا گاه ضدفرهنگی، یک مسابقه زبانی راه نمی‌اندازیم. رسانه‌ها ترجیح می‌دهند برای دیگران خوش‌زبانی‌شان را. مردمان که غایب‌اند هیچ، بسیاری از اهالی زبان پرور فرهنگ نیز در عرصه نیستند. برای ناشران زبان دوست، چاپخانه‌داران و کارگران زحمتکش آنها، کتابفروشی‌های فرهنگ‌مدار و کتابفروشی‌های پرخوان و مطلع، برای مترجمان و حروف‌چین‌ها، برای ویراستاران و نسخه‌پردازان و نسخه‌شناسان، برای برنامه‌سازان رادیو و تلویزیون که به مقوله زبان اعتنا می‌کنند، برای گویندگان و مجریان، برای برنامه‌ها (اپلیکیشن‌ها) و وبگاه‌ها (سایت‌ها) و نویسندگان آنها، برای صنعتگران علاقه‌مند به زبان، برای سرمایه‌گذاران در حوزه‌های مرتبط با زبان فارسی، برای کسانی که برای ارتقای وضع زبان مالی را وقف می‌کنند، برای استادان خوشنویس و نقاش، برای بازیگران هنرمندان و معماران، برای موسسیدانان و خوانندگان، برای شاعران و ترانه‌سرایان، تئوئیسان و گزارش‌نویسان، برای نویسندگان نامه‌های اداری و طراحان قلم‌ها و فوت‌ها، حتی برای مداحان و واعظان فارسی‌فهم و زبان‌آور، و برای بسیاری دیگر از فعالان و علاقه‌مندان و دغدغه‌مندان عرصه زبان هیچ برنامه‌ای نداریم. گویا قرار نیست آنها را ببینیم و بشناسیم و بشناسیم. قرار نیست خوش‌زبانی را به ارزشی ملی و انسانی تبدیل کنیم و برای آن سرمایه‌گذاری کنیم. اینها همه ناشی از همان حضورناپذیر در میدان است و بی‌خبری از ظرفیت‌ها و امکان‌ها. اگر رویکردهای محدود نبود، روز پاسداشت زبان فارسی همچون نوروز به جشن و رویدادی ملی تبدیل می‌شد و به‌جای یک روز، در کل ماه اردیبهشت می‌توانستیم رویدادهایی را برگزار کنیم. همچنین به‌جای یک گروه محدود و اندک از استادان زبان و ادب فارسی، بی‌نهایت قشر و گروه و دسته‌ها برمی‌انگیختیم که مسئولیتشان را برای زبان فارسی برعهده گیرند و نقش ایفا کنند.

حسین نقی زاده / ایران

از دفتر خاطرات یک کتابخوار مستقر در نمایشگاه-۵ لیست‌هایی برای خریدن

مشکل بعدی این است که بر فرض مقاومت مطلوب جلوی تیرهای و سوسه‌انگیز شیاطین و توقف صرفاً در غرفه‌های از پیش تعیین شده باز هم خطر دیگری در کمین است. بازاربازی و چرب زبانی غرفه‌داران و کارشناسان فروش در انتشارات‌هایی که در لیست ما قرار داشته‌اند، اغلب باعث می‌شود دست کم یکی دو کتاب بیش از آنچه با خودمان وعده کرده بودیم، از آن انتشارات بخریم.

مسئله بعدی رفیق ناباب است. از من به شما نصیحت که نمایشگاه را تنهای تنها بروید. اما اگر به هر دلیلی این امر محقق

جلوی هیچ غرفه‌ای ولو برای سلام علیک با آشنایان احتمالی توقف هم نکنیم، راهی غرفه‌های مورد نظر می‌شویم. اما دریغ از چشمی که می‌چرخد و نگاهی که نمی‌توانیم نگهش داریم!

اولین توقف خارج از برنامه جلوی غرفه‌های خارج از لیست همان و با جیب خالی رسیدن جلوی غرفه‌های داخل لیست همان. بعد این‌طور هم نیست که بتوان برگشت و اشتباه انجام شده را اصلاح کرد. کتاب پس گرفتن در قاموس نمایشگاه جایی ندارد. اینجا دست به مهره حرکت است. بعد اصلاً کاش مشکل فقط همین بود.



فرفشته سادات موسوی پژوهشگر

۴ جمله معرفی را که قبل از هر خریدی بالاخره یک نفر به آدم یادآور می‌شود حتماً شنیده‌اید: «یک لیست از نیازهای تهیه کن»، «یکراست سراغ خرید محتویات لیست برو»، «مغازه‌های چپ و راست را نگاه نکن» و «بلافاصله بعد از خرید برگرد خانه».

فرقی نمی‌کند که موضوع خرید، لباس مجلسی برای عروسی یکی از اقوام باشد، یا خوراکی‌های فروشی یا هرچیز دیگری. این چهار قاعده درباره همه خریدهای آدمیزاد صدق می‌کند حتی خرید جذاب و چالشی کتاب از نمایشگاه کتاب.

اما آنچه کتاب خریدن را از سایر خریدها مستثنی می‌کند این است که هوس برای عبور از لیست و سرزدن به گزینیه‌های خارج از لیست، به این جا که می‌رسد قوی‌تر عمل می‌کند. یعنی معمولاً برنامه به این ترتیب است که ما با لیستی وارد نمایشگاه می‌شویم که در آن نام کتاب‌های مورد نظرمان به همراه نام مؤلف و انتشارات ردیف شده‌اند. همان ابتدا هم می‌رویم سراغ باجه‌های اطلاع‌رسانی نمایشگاه و آدرس دقیق شماره راهرو و شماره غرفه نشر مورد نظر را می‌گیریم و در حالی که به خود وعده می‌دهیم، تا پیش از خریدن همه لیست



حسین نقی زاده / ایران